فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال ششم، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۶، پیاپی ۲۲
صفحات ۷۲-۴۷

اقتصاد زباله‌ای در روستاهای پیراشهری جنوب تهران

حسن افراخته*؛ استاد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.
محمد حجی‌پور؛ دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، مدرس دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران.

دریافت مقاله:۱۳۹۶/۲/۱۲ پذیرش نهایی: ۱۳۹۶/۷/۳

چکیده

یکی از پدیده‌های مهم اقتصادی که اکثر کشورهای جهان با آن دست‌به‌گریبان هستند، موضوع اقتصاد پنهان یا غیررسمی است. بنا به تحقیقاتی که تاکنون در اقصی نقاط دنیا صورت گرفته، اقتصاد غیررسمی به دلایل مختلفی ظهور و نمو می‌یابد که یکی از این دلایل، ضعف بخش رسمی اقتصاد در زمینه‌هایی همچون تأمین شغل و درآمد مناسب برای جمعیت متقاضی است. اقتصاد غیررسمی دارای انواع گوناگونی است که در این مقاله سعی شده تا به معرفی مدل تازه‌ای از این نوع اقتصاد تحت عنوان "اقتصاد زباله‌ای" که در حال گسترش است، پرداخته شود. همچنین با رویکردی تبیینی تلاش گردیده تا شناختی از علل و پیامدهای فضایی اقتصاد زباله‌ای ارائه شود. اطلاعات مورد نیاز با دو روش اسنادی و میدانی گردآوری شده است. تحلیل داده‌ها به کمک روش کیفی و در چارچوب تحلیل موضوعی "دپوی و گیلتین" انجام گرفته است. براساس یافته‌ها، وجود سرمایه در گردش عظیمی با حجم یک میلیارد و ۸۰ میلیون تومان در روز که مدیران شهر تهران آن را طلای کثیف می‌دانند، در کنار رکود بخش رسمی اقتصاد کشور، تقاضای بازار کار، فقر چندبعدی، مرکزیت تهران و مدل حکمروایی سبب شده تا نوعی اقتصاد غیررسمی در قالب اقتصاد زباله‌ای، ساخت یابد. همچنین این اقتصادغیررسمی علاوه بر اثرات نامطلوب فضایی و عرصه‌ای که عمدتاً متوجه سکونتگاه‌های روستایی پیرامون شهر تهران بوده، منجر به ایجاد رانت بازی‌ها و فسادهایی در بدنه دستگاه‌ها و نهادهای بخش عمومی و تضعیف بخش اقتصاد رسمی شده است.

واژگان کلیدی: اقتصاد غیررسمی، زباله، سیستم رانتی، روستاهای پیراشهری.

*hafrakhteh@yahoo.com

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

۱) مقدمه

جهان امروز، عرصه‌ی رخدادها و تحولات بی‌وقفه و دامنه‌دار است. در هر فضای جغرافیایی، پایش مدیریت و مهندسی فضا این یک پرسش اساسی را در سرآغاز دارد که *آیا تغییر و تحولات رخ‌نموده در فضا، دارای نظم از پیش تعیین شده و تحت کنترل از سوی دست‌اندرکاران و برنامه‌ریزان است یا پدیدارهایی خودبخودی بوده با ماهیتی آشفته و خارج از کنترل؟* در زمینه توسعه اقتصادی فضا، *"ظهور و رشد اقتصاد پنهان (غیررسمی/ زیرزمینی)"*، گرچه به ظاهر یک پدیدار نابرنامه‌ریزی شده و مبتلابه بیشتر کشورهای جهان در هر سطحی از توسعه است، اما اندک دقتی بانیان و برنامه‌ریزان روند مذکور را زیر نورافکن خواهد گرفت و روند قانونمند آن را برملا خواهد ساخت.

اقتصاد غیررسمی با مفاهیمی مثل اقتصاد پنهان، اقتصاد سیاه، اقتصاد زیرزمینی و اقتصاد موازی مترادف بوده و مفهوم گسترده‌ای است که برای توصیف فرم‌های ناامن از فعالیت‌های اقتصادی در کشورهای در حال توسعه جهان استفاده می‌شود؛ با این حال، رشد و میزان اشتغال غیررسمی در بسیاری از کشورها، راه عملی برای فرار از بیکاری از سوی ساکنان آن سرزمین است که در پیش گرفته می‌شود (Henley & Arabsheibani,2009: 992). به عبارتی، اقتصاد غیر رسمی شامل نیمی یا سه چهارم تمام اشتغال غیرکشاورزی در کشورهای در حال توسعه است؛ اغلب به معنای شرایط اشتغال پایین است و با افزایش فقر همراه است. برخی از ویژگی‌های اشتغال غیررسمی، عدم حفاظت در صورت عدم پرداخت دستمزد، اضافه کار اجباری یا تغییرات اضافی، اخراج بدون اطلاع قبلی و یا جبران خسارت، شرایط کاری نا امن و عدم وجود مزایای اجتماعی مانند حقوق بازنشستگی و بیمه درمانی است. در این بخش اقتصادی غیر رسمی و با کیفیت پایین، بیشتر زنان، مهاجران و سایر گروه‌های آسیب‌پذیر که از دست یابی به دیگر فرصت‌ها محروم و دامنه‌ی انتخاب‌شان محدود است، اشتغال دارند (ILO,2017). بر اساس آمار موجود از فعالیت در بخش غیررسمی اقتصاد طی سال‌های ۲۰۰۴-۲۰۱۰، در مناطقی همچون جنوب آسیا ۸۲ درصد، شرق و جنوب شرقی آسیا ۶۵ درصد، خاورمیانه و شمال آفریقا ۴۵ درصد و اروپای شرقی و آسیای مرکزی ۱۰ درصد از شاغلان در بخش غیررسمی اشتغال داشته‌اند (ILO, 2013). بدین‌سان، از پیامدهای مهم رشد و گسترش اقتصاد غیررسمی، بروز و گسترش ظرفیت‌های بسیار برای فساد اقتصادی است؛ هر چند که این پدیده، معلول رواج فساد اقتصادی نیز، است (تاری و غلامی،۱۳۸۷).

در خصوص اقتصاد سیاه یا پنهان، همواره این پرسش بوده است که «*بخش غیررسمی مفید است یا مضر؟ باید وجود داشته باشد یا خیر؟*» و در این باره اختلاف نظر وجود دارد چرا که آمار و اطلاعات موجود، نشان از نقش دوگانه اقتصاد غیررسمی در فضا دارد. به طور مثال، بر اساس گزارش صندوق بین-المللی پول، یک درصد رشد اقتصاد زیرزمینی در کشورهای توسعه یافته به دلیل آنکه منجر به رشد

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

مبادلات و در نتیجه گردش درآمد در جامعه می‌شود، باعث پدید آمدن رشد اقتصاد حدود ۰/۳ درصدی می‌شود. همچنین طبق گزارش دیگری از این سازمان، حجم اقتصاد سایه بر حسب درصدی از محصول ناخالص داخلی (GDP) در کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD)، معادل ۱۴ تا ۱۶ درصد، در اقتصادهای در حال گذار رقمی بین ۲۱ تا ۳۰ درصد و در اقتصادهای در حال توسعه چیزی در حدود ۳۵ تا ۴۴ درصد GDP است (ماهنامه اقتصاد ایران،۱۳۸۸).

در جهان پس‌مانده از توسعه، شهرنشینی و شهرگرایی به عنوان یک پدیده مصنوع و دست کاشت بشر که عمدتاً قالب منظمی برای تغییر و تحولات آن در بردار زمان اندیشیده نشده، دارای ثمرات متعدد چالش برانگیز در بطن فضای جغرافیایی است که یکی از آنها دامن‌زدن به اقتصاد غیررسمی است. بدین‌سان، شهرنشینی سریع با افزایش جمعیت در شهرها و عدم افزایش تولید شغل متناسب با آن، گسترش بیکاری، مدیریت ناکارآمد فضا و اقتصاد سیاسی حاکم در شهرهای جهان سوم از یک سو و تلاش در جهت تأمین حداقل معاش و رهایی از فقر از سوی دیگر، سبب شده تا بخش قابل ملاحظه‌ای از جمعیت در شهرها و پیرامون کلانشهرها، به سوی بخش غیررسمی اقتصاد کشیده شوند (جمالی و همکاران، ۱۳۸۷: ۲۹؛ محمدبیگی،۱۳۷۶: ۹۵؛ سلیمی‌فر و کیوانفر،۱۳۸۹: ۳). در مجموع می‌توان اظهار داشت که گسترش اقتصاد غیررسمی، گرچه دارای ارتباط مستقیمی با *"فقر"* است به گونه‌ای که هم علت فقر (Nikopour & Shah Habibullah, 2010) و هم معلولی برای افزایش فقر در جامعه (Divic, 2006) است، اما از سوی دیگر، حاصل حلقه پیچیده‌ای از فضامندی و حکومت‌مندی است. از این رو، در حوزه‌ی مطالعاتی فقر به‌ویژه در جهان سوم، مسئله اقتصاد غیررسمی، مفهوم و کلید واژه‌ای مهم محسوب می‌گردد (Bromley, 1978).

در حواشی و پسکرانه‌های اکثر محیط‌های شهری کشور ایران، به ویژه کلانشهرهای ملی و منطقه‌ای، همچون سایر کشورهایی که در آرزو و تکاپوی پیشرفت هستند، فقر دارای مدل انباشتگی منحصربفرد و روبه تزایدی است؛ به گونه‌ای که از واپسین دهه‌های قرن بیستم بود که پدیده‌ای به نام *"شهری شدن فقر"* با بازتاب‌هایی نظیر ساخت‌یابی سکونتگاه‌های غیررسمی و حاشیه‌نشینی (جواهری‌پور،۱۳۸۳: ۴۴) رشد یافته است. عظیمی (۱۳۹۳: ۱۷۹) یکی از تلاش‌های لازم در جهت توسعه اقتصادی ایران را «برطرف شدن فقر و محرومیت» برشمرده است.

حاشیه جنوبی کلانشهر تهران به عنوان یکی از کانون‌های تجمع افراد کم درآمد و فقیر در قالب سکونتگاه‌های غیررسمی و رسمی فقیرنشین، دارای مسائل و پدیده‌های نوظهوری بسیاری است که با شناخت آن می‌توان در جهت کمک به تعدیل فقر فضایی و انباشتگی آن در حاشیه این کلانشهر ملی و همچنین اقتصاد منطقه‌ای، اقدام مؤثری به عمل آورد. در این مقاله تلاش شده است تا ضمن معرفی

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

گونه‌ی جدیدی از اقتصاد غیررسمی تحت عنوان "اقتصاد زباله‌ای" که در پیرامون کلانشهر تهران دایر است، به بررسی علل وجودی و همچنین پیامدهای فضایی آن پرداخته شود.

۲) مبانی نظری

اقتصاد غیررسمی پس از جنگ جهانی دوم و به دنبال حضور گسترده دولت در عرصه اقتصاد و درنتیجه ایجاد انگیزه‌های قوی در عاملان اقتصادی برای حرکت به سمت بخش غیررسمی مورد توجه قرار گرفت و طی دهه‌های اخیر، ادبیات آن پیشرفت قابل توجهی داشته و اقتصاددانان با پی‌بردن به اهمیت این موضوع، کوشیده‌اند به بررسی و تحقیق بیشتر و معرفی روش‌های مناسب‌تر تخمین آن بپردازند (Esfandiari & Jamalmanesh,2002). به لحاظ سابقه پژوهش در خصوص اقتصاد غیررسمی می‌توان به مطالعات افرادی همچون فیگ[۱] (۱۹۹۰)، باتاچاریا[۲] (۱۹۹۹)، تانزی[۳] (۱۹۹۹)، چادوری[۴] و همکاران (۲۰۰۶)، کول[۵] (۲۰۰۶)، رامرو[۶] (۲۰۰۹)، الجین و اوزتانلی[۷] (۲۰۱۴)، البانثوی[۸] و همکاران (۲۰۱۶)، مارتینز[۹] و همکاران (۲۰۱۷)، عرب مازار یزدی (۱۳۸۰)، نیلی و ملکی (۱۳۸۵) و ویسیان و همکاران (۱۳۹۴) اشاره داشت که بر این اساس می‌توان گفت عمده‌ی پژوهش‌های صورت گرفته در خصوص روش‌های برآورد حجم اقتصاد غیررسمی، عوامل اثرگذار بر رشد اقتصاد غیررسمی، وضعیت شاغلان این بخش، اثرات و پیامدهای اقتصاد پنهان و چگونگی کسب درآمد درچارچوب اقتصاد غیررسمی بوده است.

برای اولین بار «کیت هارت» در یک تحقیق کلاسیک درباره اقتصاد کشور غنا، واژه «بخش غیررسمی» را به مباحث اقتصاد وارد کرد. در همین مقطع زمانی، سازمان جهانی کار از اصطلاح بخش غیررسمی برای توصیف فعالیت‌های نیروی کار فقیری که بسیار سخت کار می‌کردند اما از سوی مقامات دولتی شناسایی، ثبت، حمایت و یا اداره نشده بودند، استفاده کرد (صادقی و همکاران،۱۳۸۶: ۷۴). در نوشته‌های جغرافیایی و اقتصاد از این بخش با عناوینی مانند «شغل‌های کاذب و انگلی»، «نتیجه بیکاری پنهان»، «فعالیت‌های غیرتولیدی و غیرمؤثر»، «بخش سنتی»، «بخش سازمان نیافته» و «شغل‌های پایین طبقه کارگر» نام می‌برند. سازمان ملل در سال ۱۹۹۳ میلادی، اقتصاد غیررسمی را شامل واحدهایی تعریف کرد که کالا و خدمات را به

[1] Fige
[2] Bhattacharyya
[3] Tanzi
[4] Chaudhuri
[5] Cule
[6] Romero
[7] Elgin & Oztunali
[8] Elbahnasawy
[9] Martínez

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

فرض ایجاد شغل و درآمد به صورت شخصی ایجاد می‌کند و واحدها به‌وسیله‌ی سطوح پایین‌تر، سازماندهی و با تفاوت ناچیزی بین کار و سرمایه در مقیاس کوچک مشخص می‌شود (Romero,2009:5).

اقتصاد غیررسمی به مجموعه‌ای از فعالیت و مبادلات اقتصادی گفته می‌شود که هر کدام ممکن است قانونی یا غیرقانونی باشد؛ اما به دلیل آنکه گزارش نمی‌شود، اندازه‌گیری نیز نمی‌گردد که نبود گزارش ممکن است به دلایلی همچون فرار از مالیات یا مقررات و یا حتی نبود شبکه‌ی گزارش‌گیری باشد. اندازه و مقیاس اقتصاد غیررسمی متفاوت است؛ در واقع مشاهده، تعریف، اندازه‌گیری و محاسبه‌ی این بخش از اقتصاد بسیار دشوار است (Elgin & Oyvat,2013: 38؛ احمدی شادمهری،۱۳۸۶: ۱۴۱) چراکه مشاغل غیررسمی، پدیده‌ای رنگارنگ، شناور و به طور مستمر در حال تغییر است (Daniles,2004:503).

در نظام حساب‌های ملی[1] (۱۹۹۳) اقتصاد سیاه ترکیبی از *"تولید غیرقانونی"* و *"تولید پنهان"* در نظر گرفته شده است؛ تولید غیرقانونی دارای دو شکل کلی است:

الف) تولید کالاها و خدماتی که فروش، توزیع یا تصرف آنها بر اساس قانون منع شده است؛ و

ب)، فعالیت‌هایی که اغلب قانونی هستند اما وقتی توسط تولیدکنندگان غیرمجاز انجام شوند (مانند شاغلان به حرفه پزشکی بدون اخذ گواهینامه لازم)، غیرقانونی می‌شوند.

تولید پنهان، شامل فعالیت‌های معینی است که ممکن است از جنبه اقتصادی، مولد و از نظر قانونی مجاز باشد (در صورتی که معیارها و مقررات معینی را رعایت کرده باشد) اما به دلایلی، از مقامات عمومی پنهان نگه داشته شود. دلایلی از جمله:

الف) اجتناب از پرداخت هزینه‌های تأمین اجتماعی؛

ب) اجتناب از رعایت معیارهای قانونی مشخص مانند کمترین دستمزد، بیشترین ساعت کار، معیارهای حفاظتی یا بهداشتی؛ و

ج) اجتناب از رعایت روش‌های اداری مشخص مانند تکمیل پرسشنامه‌های آماری و یا دیگر فرم-های اداری (عرب مازار یزدی،۱۳۸۰: ۹).

بدین‌سان می‌توان اذعان نمود اقتصاد غیررسمی بخشی است که به رغم تولید ارزش افزوده، در هیچ جایی ثبت نمی‌شود (سلیمی‌فر و کیوانفر،۱۳۸۹: ۴). سازمان بین‌المللی کار برای اقتصاد بخش غیررسمی، پنج ویژگی "نیاز به هزینه کم"، "کارگربر"، "ورود آسان به این بخش"، "نبود نیاز به تخصص و تحصیلات" و " عرضه‌ی خدمات و تولیدات قابل رقابت" را بیان کرده است (ویسیان و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۱۳؛ توماس و ریسکاویچ، ۱۳۷۶). در کنار ویژگی‌های یاد شده، مشخصات مختلفی نیز برای فعالیت‌های بخش غیررسمی اقتصاد بیان شده است. از جمله:

الف، بخش غیررسمی فاقد سازمان مشخص است؛

[1] System of National Account (SNA)

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

ب، از طرف هیچ سازمان دولتی و غیردولتی حمایت نمی‌شود؛
ج، بدون تأیید دولت‌ها به کار خود ادامه می‌دهد و در امر پیشه‌وری، جواز کسب لازم ندارد؛
ج، ساعت کار منظمی ندارد؛
د، به شاغلان آن در روزهای بیماری یا مرخصی، مزدی پرداخت نمی‌شود؛
ه، بخش غیررسمی دارای ساعات کار بیشتر، درآمد کمتر، شرایط نامطلوب محل کار و محل اشتغال محدودی است؛
و، درآمد شاغلان این بخش نامنظم و نامطمئن است؛
ز، ورود به این بخش آسان است؛
ح، بازار نامنظم دارد و سرمایه کم می‌طلبد؛
ط، بیشتر به منابع و تولیدات سنتی و محلی وابسته است؛
ی، میدان عمل محدودی دارد و گاه مالکیت خانوادگی لازم دارد؛
ک، محدودیت سنی و جنسی ندارد؛
ل، محدودیت زمانی ندارد و در تمام ساعات شبانه‌روز انجام می‌شود و محدودیت مکانی ندارد ؛
م، بیشتر در شهرهای پرجمعیت کشورهای جهان سوم دیده می‌شود (مردانی، ۱۳۹۴).

فایگ[1] (۱۹۹۰) اقتصاد سیاه یا زیرزمینی را به چهاردسته اقتصاد غیرقانونی، اقتصاد گزارش نشده، اقتصاد ثبت نشده و اقتصاد غیررسمی تقسیم می‌کند. تانزی[2] (۱۹۹۹) در توصیف اقتصاد غیررسمی می‌گوید: «این بخش از اقتصاد به دلیل وجود برخی فعالیت‌ها که اندازه‌گیری و اخذ مالیات از آنها دشوار است، همچون کارِ خانگی و نیز فعالیت‌های غیرقانونی و پنهانی به وجود می‌آید». در بیان مفهوم اقتصاد سیاه/غیررسمی، فلمینگ و همکاران[3] (۲۰۰۰) قائل به دو رویکرد هستند: در رویکرد اول، اقتصاد سایه‌ای را به عنوان فعالیت‌های ثبت نشده اقتصادی نشان می‌دهند و در رویکرد دوم، بر رابطه قوانین نهادی و محیط اجتماعی تأکید می‌کنند.

در حقیقت، اقتصاد غیررسمی عبارت از مجموعه فعالیت‌هایی است که افراد در سنین مختلف با هدف کار و درآمد، اغلب در شهرهای پرجمعیت و فقیر کشورهای جهان سوم انجام می‌دهند و از سوی دولت‌ها نیز به رسمیت شناخته نمی‌شود و افراد از روی اجبار این مشاغل را برگزیده‌اند (صرامی،۱۳۷۳: ۵۹). به عبارتی، فعالیت محدود، کارگربر، نبود حمایت قوانین کشور از آن، دارای بازار نامنظم و نیاز به سرمایه‌ی اندک از ویژگی‌های این اقتصاد است (شکوئی،۱۳۸۳: ۴۶۴). انگیزه‌های ترغیب فعالیت در اقتصاد سیاه/غیررسمی در چهار عامل قابل بررسی است:

[1] Fige
[2] Tanzi
[3] Fleming et al.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

الف، عوامل اقتصادی: *فقر، بی‌کاری، تورم، موانع و محدودیت‌های تجاری، مالیات‌ها، عوارض و تعرفه‌های گمرکی، شکاف طبقاتی و نابرابری درآمدی، پایین بودن درجه باز بودن اقتصاد (Openness)، مخفی ماندن از سیاست‌های کنترل قیمت‌ها، استانداردها و سهمیه بندی‌ها؛*

ب، عوامل نهادی و ساختاری: *ضعف ساختارهای قانونی، بهینه نبودن نظارت دولتی و اجتماعی (در بخشی فشار قانونی و در بخش دیگر نبود نظارت کافی)، بروکراسی عریض و طویل دولتی، عدم تعریف دقیق حقوق مالکیت، وجود ریسک و نااطمینانی بالا در اقتصاد، فساد اداری و اقتصادی؛*

ج، عوامل جغرافیایی: *گسترده بودن مرزهای ایران، همسایگی با کشور با بزرگ‌ترین تولید کننده مواد مخدر، ناامن بودن اوضاع سیاسی در کشورهای همسایه؛و*

د، عوامل فرهنگی: *عدم حساسیت افراد نسبت به کسب درآمد در اقتصاد سیاه، مانند اینکه فردی که مالیات نمی‌پردازد، از سیستم کنترل و استاندارد پیروی نمی‌کند، قاچاق کالا یا مواد مخدر انجام می‌دهد، رشوه خواری می‌کند، فردی باهوش و بقول عامیانه تیز و زرنگ است و توانایی استفاده از موقعیت خود را دارد. در صورتی که بر اساس اصول اخلاقی در دین اسلام و تاریخ ایران باستان چنین افرادی مورد مذمت قرار گرفته‌اند.*

فاکتورهای مهم اثرگذار بر رشد اقتصاد زیرزمینی یا اقتصاد سیاه به شرح زیر ذکر شده است (جعفری صمیمی و اکبری،۱۳۹۲: ۷-۴):

مالیات؛ زمانی که مالیات افزایش یابد، بخش کمتری از درآمد تحقق یافته برای افراد باقی می‌ماند، بنابراین مردم تشویق می‌شوند به سمت فعالیت‌هایی روی آورند که امکان فرار از مالیات در آن وجود داشته باشد. بنابراین با افزایش بار مالیاتی، میزان فرار مالیاتی و در نتیجه اندازه اقتصاد زیرزمینی افزایش می‌یابد. همچنین در این خصوص "عرب مازار یزدی" (۱۳۸۰) اذعان داشته است که وضع مالیات و عوارض به شکل‌های گوناگون توسط دولت، این زمینه را فراهم می‌سازد تا بسته به انسجام و کارآمدی نظام مالیاتی، فرهنگ مالیاتی موجود در جامعه و نیز نرخ مالیات و عوارض دریافتی، پنهان‌سازی فعالیت‌های اقتصادی به منظور گریز از پرداخت مالیات و عوارض، کما بیش صورت گیرد؛

اختلاف نرخ ارز رسمی و غیررسمی؛ اختلاف نرخ ارز رسمی و غیررسمی در مقیاس خرد موجب گسترش بازار سیاه ارز می‌شود زیرا افراد سودجو به دنبال این هستند که با فروش ارز در بازار غیررسمی به سودهای کلان دست یابند. در مقیاس کلان اقتصادی، افراد دارای رانت و امتیازات ویژه از این اختلاف محسوس نرخ ارز برای واردات با نرخ رسمی و فروش در

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

بازار با نرخ غیررسمی، سبب برهم زدن تعادل بازار و افزایش قیمت و تورم در گروه کالایی خاصی می‌شوند. این پدیده در کشورهایی که قانون قدرت اجرایی و بازدارنده کافی را ندارد، می‌تواند تأثیر زیادی بر افزایش حجم اقتصاد زیرزمینی بگذارد. همچنین چند نرخی بودن ارز سبب ایجاد انگیزه افراد برای مشارکت در صادرات و واردات قاچاق می‌شود؛

تورم؛ بالا بودن رشد قیمت کالاها به ویژه کالاهای مصرفی موجب می‌شود که افراد بیشتری در زیرخط فقر قرار گیرند و برای گذران زندگی مجبور به روی آوردن به فعالیت‌های غیرقانونی شوند. بدین‌سان، اگر رشد قیمت کالاها به‌ویژه کالاهای مصرفی افراد بیشتر از رشد حقوق و درآمد در بخش رسمی باشد، فاصله هزینه از درآمد خانوار بیشتر می‌شود و کارمندان برای تأمین زندگی مجبور می‌شوند به شغل دوم روی آورند و از آنجایی که امکان حضور یک فرد به طور همزمان در دو شغل رسمی وجود ندارد، افراد مجبور به فعالیت در بخش غیررسمی می‌شوند؛ و

دولت؛ این نهاد به عنوان یک رابط برای افزایش اقتصاد زیرزمینی دیده می‌شود. فشار قوانین مانند قوانین بازار کار، محدودیت ساعت کار، حداقل دستمزد، حداقل سن، هزینه‌های بیمه، موانع تجاری و تعرفه‌های بالا، استانداردهای محیط کار و محدودیت‌های کار خارجیان و موقعیت بحران‌های اقتصادی از جمله عواملی هستند که وابسته به سیاست‌های دولت است و می‌تواند به نحوی در رونق اقتصاد زیرزمینی نقش ایفا کند.

وجود زمان‌های طولانی دریافت مجوزهای قانونی، تولیدکنندگان زیادی را به سمت تولید بدون مجوز یعنی تولید در بخش زیرزمینی سوق می‌دهد. در این راستا، جی و همکاران[1] (۲۰۱۱) افزایش در فشار قوانین را یک برانگیزاننده‌ی قوی برای اقتصاد زیرزمینی برشمرده‌اند، زیرا دولت یا نهادهای رسمی نمی‌توانند قوانین کاملاً بی‌طرفانه را برای انجمن‌های تجاری تضمین کنند، بنابراین افراد ممکن است برای سایر انتخاب‌هایی که شامل عمل زیرزمینی می‌شود، جستجو کنند. افزایش هزینه‌های دولت و هزینه‌های غیرضروری نیز می‌تواند منجر به افزایش اقتصاد زیرزمینی شود به گونه‌ای که بودجه غیرعقلایی دولت می‌تواند بار مالی برای مالیات دهندگان زیاد کند؛

بیکاری؛ نرخ‌های بالای بیکاری می‌تواند از جمله عوامل گسترش بخش زیرزمینی به خصوص در کشورهای در حال توسعه باشد. به عبارت بهتر، عدم وجود شغل رسمی زمینه‌ساز ورود فرد به بخش پنهان خواهد شد. در کشورهای در حال توسعه نظیر ایران، عدم

[1] Jie et al.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

وجود شغل به اندازه مورد نیاز جامعه از یک سو و وجود هزینه‌های بالای زندگی از سوی دیگر، افراد را برای تأمین زندگی خانواده به دنبال یافتن شغلی در بخش پنهان مجاب می-کند؛

فساد؛ استفاده از موقعیت و رانت‌های ناشی از آن، گاهی سبب‌ساز بهره‌مندی از منابع مالی و بروز فساد مالی شدید می‌گردد که این فرصت‌های مالی کلان برای افراد سودجو، بخشی را ترغیب به سرمایه‌گذاری در فضای اقتصاد سیاه و زیرزمینی می‌نماید؛ و

ممنوعیت‌ها؛ در برخی کشورها، فعالیت و عملیات‌یا تولیداتی علی‌رغم اینکه در سایر کشورها مجاز بوده، ممنوعیت دارد. اغلب تولیدات این نوع فعالیت‌ها ممکن است دارای تقاضای بالایی باشد و سود بالایی ایجاد می‌کند. از این رو، افرادی برای کسب سود و یا فرار از برخی مشکلات اقتصاد رسمی، به اینگونه فعالیت‌های مشغول شوند. شکل عمده این فعالیت‌ها شامل تولید و توزیع غیرقانونی داروها، سفته بازی‌های غیرقانونی، پول به صورت ربا و تولید و فروش مواد خطرناک یا ممنوع مانند اسحله می‌شود.

شاخص‌های دیگری نظیر رشد تعداد روزنامه‌ها، رشد باسوادی و شفاف‌تر شدن حکمرانی (Chaudhuri et al, 2006)، فساد اداری در بین بازرسان مالیاتی (Cule, 2006)، میزان تمایل افراد جامعه برای صرف هزینه در دستیابی به کالاهای بادوام، ضعف نیروی انسانی، کم رنگ بودن جرائم برای متخلفان، ضعف قوه قضائیه، هزینه‌های مرتبط با فعالیت‌های رسمی، هنجارهای اجتماعی، (Bhattacharyya, 1999)، سیاست‌گذاری، کیفیت نهادهای دولتی (Tanzi, 1999)، مقررات بی‌شمار، بروکراسی اداری و هزینه بالای مبادله (دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی،۱۳۸۲؛ رفعتی،۱۳۷۶) در رشد اقتصاد سیاه نقش دارد.

فرار مالیاتی، تخصیص غیربهینه عوامل، قاچاق کالا و ارز، فشار بر منابع مالی دولت، افزایش نابرابری اقتصادی، شکست سیاست‌های پولی و مالی، گسترش فساد(جعفری صمیمی و اکبری،۱۳۹۲: ۲)، وجود برآورد نادرست از تولید ناخالص داخلی و قضاوت ناصحیح از رشد اقتصادی کشور، کاهش رفاه اجتماعی عمده‌ی جمعیت فعال در بخش رسمی و در عوض بهبود نسبی رفاه اجتماعی افراد حاضر دربخش غیررسمی اقتصاد (نیلی و ملکی،۱۳۸۵: ۴)، پایین آمدن تولیدات صنعتی و پیچیده‌تر شدن مشکل بیکاری و از بین رفتن فرصت-های سرمایه‌گذاری برای اشتغال مولد (شمس‌الدینی،۱۳۸۷: ۲۴) از پیامدهای گسترش اقتصاد سیاه بوده است. همچنین، سازمان بین المللی کار، دلایل ورود به عرصهٔ کار را از زاویهٔ عرضه و تقاضا بررسی می‌کند و معتقد است گرچه عوامل اساسی چون فقر به عرضهٔ کودکان به بازار کار منجر می شود، اما از نقش متقاضیان کار کودک که خانوادهٔ کودکان نیز یکی از آنهاست نباید غافل شد (وامقی و همکاران،۱۳۹۴: ۳۹۱-۴۱۶).

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

همه مواردی که مذکور افتاد، به جنبه مکانی فضایی اقتصاد غیررسمی اشاره دارد که البته قابل درک است اما اقتصاد غیررسمی ریشه در عامل حکومت‌مندی دارد و آن اینکه در سیستم‌های نولیبرال، هنگامی که دولت از کارکردهای رفاهی خود عقب‌نشینی می‌کند، کارکردهای حکومت‌مندانه را بیشتر سیطره می‌دهد. به عبارت دیگر، در عصر نولیبرال، دولت‌ها از وظایف رفاهی خود عقب می‌کشند اما نه فقط از وظایف حکومت‌مندانه خودشان عقب‌نشینی نمی‌کنند، بلکه بر عکس آن را بیشتر می‌کنند؛ زیرا دولتی که در زمینه رفاهی عقب‌نشینی می‌کند، این امکان را می‌یابد که در زمینه حکومت‌مندی سلطه بیشتری اعمال کند. سیاست‌گذاری خانه‌نشین کردن زنان و افراد، آنان را از بازار کار رسمی بیرون می‌کند ولی همزمان به بازار غیررسمی سوق می‌دهد (صادقی، ۱۳۹۶).

فعالان فرودست سیستم اقتصاد غیررسمی افرادی هستند که مطلقاً از سه منبع اصلی قدرت یعنی سرمایه مادی، دانش و مهارت انسانی واجد ارزش مبادله در بازار کار و اقتدار سازمانی خواه در نهاد دولت و خواه در سایر نهادها نابرخوردار هستند، یعنی توزیع قدرت در جامعه به گونه‌ای بوده که بخشی از جامعه از این سه منبع قدرت نابرخوردار هستند و در نتیجه تأمین معاش ناگزیر از عرضه نیروی کار در بازار هستند، همچنین در بسیاری از موارد به دلایل گوناگون مثل رکود و کسادی تهیدستان مایل به عرضه نیروی کارشان هستند، اما تقاضایی برای این نیروی کار نیست. از سوی دیگر، تهیدستان از سه نوع منبع حمایت در حدی که استانداردهای تاریخی متعارف برای نیل به یک سطح زندگی شناخته شده کفایت می‌کند، نابرخوردارند. منابع حمایتی نظیر: اول، حمایت‌های اجتماعی دولت؛ دوم، حمایت‌های نهادهای اجتماعی ضربه‌گیر موجود در جامعه مثل نهاد خانواده و محله؛ سوم، حمایت انواع نهادهای جامعه مدنی. مصداق تهیدستان شهری مثل دستفروشان، فروشندگان دوره‌گرد، موتورسواران معیشتی، کارگران روزمزد بی‌ثبات کار، بخش‌های وسیعی از بیکاران، مهاجران روستایی فقرزده ساکن در شهرهای بزرگ، کارگران ناماهر، گدایان، کارتن‌خواب‌ها، کودکان کار و زباله گردان‌ها هستند. بی‌بهره بودن از منابع قدرت مذکور وضعیتی است که بر فراز سر این تهیدستان رقم خورده است و خصلتی ساختاری دارد و به اختیار خود تهیدستان نیست (مالجو،۱۳۹۶).

۳) روش تحقیق

ماهیت تحقیق صورت گرفته توصیفی – تحلیلی است. برای گردآوری داده‌ها و اطلاعات از بررسی‌های اسنادی و میدانی استفاده شده است. در مطالعات اسنادی، منابع خارجی و داخلی اعم از کتب، گزارشات، مقالات و پایان‌نامه‌هایی که در خصوص اقتصاد غیررسمی و همچنین آمار تولید زباله انتشار یافته، بازخوانی گردید. به منظور برداشت اطلاعات میدانی، از سطح شهر تهران و سکونتگاه‌های پیرامون آن،

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

نمونه‌های هدفمند انتخاب شد. محله‌های شهرک غرب، اطراف ترمینال جنوب، سه راه آذری و یافت‌آباد در سطح شهر برای مصاحبه با زباله‌گردها و همچنین روستائیان محمودآباد خالصه، زمان‌آباد و اسلام‌آباد جهت انجام مصاحبه هدفمند و کسب اطلاعات در خصوص پیامدهای پدیده‌ی مورد بحث، انتخاب و مراجعه شده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها در چارچوب کیفی عمل گردید به گونه‌ای که از روش تحلیل موضوعی به شیوه‌ی «دپوی و گیلتین» استفاده شده است. از تحلیل موضوعی، نسخه‌های متعددی وجود دارد. دپوی و گیلتین (۲۰۰۵) نسخه‌ای طبیعت‌گرا از تحلیل تماتیک ارایه داده‌اند. این نوع رهیافت که خاص مطالعات میدانی است، شامل دو مرحله است: مرحله اول که خود شامل چهار زیرمرحله است و البته می‌تواند و ممکن است به طور همزمان نیز صورت گیرد و عبارتند از الف) درگیری در تفکر قیاسی – استقرایی به طور همزمان؛ ب) ساخت و تدوین مقوله‌ها؛ ج) گروه‌بندی مقوله‌ها در سطوح بالاتر انتزاع؛ و د) کشف معانی و تم‌های زیرین. مرحله‌ی دوم نیز به آماده کردن گزارش تحقیق اختصاص دارد (محمدپور،۱۳۹۲: ۶۸-۶۷).

۴) یافته‌های تحقیق

۴-۱) اقتصاد زباله‌ای

در حال حاضر سالیانه نزدیک به ۱/۳ میلیارد تن زباله در جهان تولید می‌شود که براساس روند فعلی، انتظار می‌رود به حدود ۲/۲ میلیارد تن در سال ۲۰۲۵ افزایش یابد (Hoornweg and Bhada-Tata,2012: 8). بنا به اطلاعات موجود، در کشور ایران نیز روزانه در حدود ۵۰ هزار تن زباله تولید می‌شود که سهم شهری همچون تهران در تولید زباله، نزدیک به ۷ هزار و ۵۰۰ تن در روزهای معمول سال و ۱۱ هزار تن در روزهای پایانی سال است (فیلسوفی،۱۳۹۰؛ نوذرپور،۱۳۹۶). بر این شالوده، بیشتر شهرها به‌ویژه شهرهای پرجمعیت کشور با پدیده‌ی روبه گسترشی تحت عنوان *"زباله‌گردی"* مواجه است که به معنای جمع‌آوری ضایعات قابل فروش به‌وسیله‌ی افراد کم درآمد و فقیر جامعه است. ضایعاتی نظیر انواع قوطی، اجسام فلزی و مواد پلاستیکی که به سه طریق (الف) جستجو در درون سطل‌های زباله محلات و کوچه‌ها؛ (ب) مراجعه به درب منازل و خرید ضایعات از خانوارها؛ و (ج) از طریق زیرورو کردن محل دپوی زباله‌های شهری گردآوری می‌شود. به طور کلی، زباله‌های تفکیک شده و ضایعات به دست آمده در بخش غیررسمی در دست پنج گروه ثروت‌آفرینی می‌کند که می‌توان از آن تحت عنوان حلقه‌های بهره‌بردار از منافع طلای کثیف نام برد:

حلقه اول) زباله‌گردها؛ افرادی هستند که به یکی از سه طریق یاد شده در بالا، به جمع‌آوری زباله و ضایعات از سطح شهر در محلات مختلف می‌پردازند و گفته می‌شود که اداره‌کنندگان سازمان

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

غیررسمی زباله‌گردها برای اینکه شهرداری از کار آنان در شهر ممانعتی به‌وجود نیاورد، به ازای هر فرد بالغ در حدود یک میلیون تومان و به ازای هر کودک ۸۰۰ هزار تومان ماهیانه دریافت می‌نماید و کارت مجوز فردی برای فعالیت‌شان صادر می‌کند (امینی‌فرد،۱۳۹۶).

حلقه دوم) کلی فروش‌های زباله (نظیر کارگاه‌های تفکیک زباله)؛ اینان به نوعی در ارتباط با شهرداری بوده و یا پیمانکار شهرداری هستند. این افراد یا دارای انبار و محوطه‌هایی در مراکز جنوبی شهر هستند و یا در حریم روستاهای جنوبی شهر فضاهایی را در اختیار دارند؛ بسیاری از این گروه، زباله‌ها را به دو صورت خریداری می‌کنند، نخست اینکه زباله تفکیک شده را از جمع آورنده‌های انفرادی زباله می‌خرند و دیگر آنکه، زباله را با کامیون به فضاهای مورد اشاره انتقال می‌دهند و در آنجا از طریق کارگران زباله که بیشتر افغانی هستند، تفکیک می‌کنند.

حلقه سوم) کارگزاران یا صاحبان ماشین‌های خرد کننده مواد تفکیک شده؛ کارگزارها، مدیران کارگاه‌ها هستند که زباله‌ها را از واسطه‌ها می‌خرند و بازیافت می‌کنند و به کارخانه‌ها می‌فروشند، هرکدام شش یا هفت کارگر دارند. برخی هم فقط صاحب کارگاه تفکیک هستند. از سطح شهر زباله جمع و تفکیک می‌کنند و به کارگزارها می‌فروشند و دیگران هم تنها کارگر و اغلب اتباع افغان هستند.

حلقه چهارم) کارخانه‌داران؛ کارخانه‌های موکت‌سازی، ذوب فلز، بطری‌سازی و بلورسازی از جمله کارخانه‌هایی هستند که مشتری‌های ضایعات شهری به شمار می‌روند؛ و

حلقه پنجم) خریداران خارجی ضایعات؛ دلالانی هستند که گاهی از کشورهایی همچون چین و هند برای خرید مواد پلاستیکی به ایران آمده و آن را جهت تهیه کالاهای پلاستیکی یا حتی فلزی خریداری می کنند (صدرنژاد،۱۳۹۵).

در بخش‌هایی از استان و شهر تهران مانند خاوران و سرآسیاب ملارد، زباله‌گردی به صورت گسترده صورت می‌گیرد که چشم‌اندازهای منحصربفردی را نیز پیرامون شهر تهران پدیدار ساخته است. بدین‌سان، ارزش اقتصادی مواد ضایعاتی و وجود عده‌ی زیادی افراد کم درآمد و حتی بی‌درآمد در حاشیه شهر تهران سبب شده تا زباله‌گردی رونقی چشمگیر داشته باشد؛ رشد زباله‌گردی به گونه‌ای بوده که یک سازمان اقتصادی خاصی را بنیان نهاده و امروز گونه‌ای جدیدی از اقتصاد غیررسمی تحت عنوان *"اقتصاد زباله‌ای"* مطرح شده است. در حقیقت اقتصاد زباله‌ای، بیانی از سازوکار و نظام کسب درآمد از زباله‌ها و پسماندهای شهری است که توسط بخش خاصی از افراد جامعه صورت می‌گیرد.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

۱-۱-۴) نیروی کار

از عناصر مهم در هر نظام فعالیتی یا اقتصادی، نیروی کار است. در استان تهران و خصوصاً محدوده‌ی شهر تهران، به لحاظ قومیتی اکثریت افراد فعال در اقتصاد زباله‌ای از اتباع افغانی، مهاجران آذربایجانی، گیلانی، سمنانی، خراسانی و استان‌های غربی کشور هستند. از حیث جنسیت، عمده‌ی افراد فعال در این حوزه *"مردان"* هستند و به صورت اندک، در بخش زباله‌گردی ممکن است تعدادی از زنان نیز به دلیل مشقت و تنگنای مالی شدید، حضور داشته باشند و در سایر مراحل این اقتصاد غیررسمی، زنان به دلیل سختی کار دارای هیچ‌گونه فعالیتی نیستند. سطح تحصیلات افراد نیز دارای دامنه‌ای تا حداکثر لیسانس بوده اما اکثر افراد، بی‌سواد و یا تحصیلات ابتدایی دارند.

ویژگی خاص کسب و کار زباله‌ای در ارتباط با نیروی کار این است که علاوه بر پذیرش افرادی که در سنین فعالیت قرار دارند (۱۵-۶۴ سال)، حضور کودکان ۱۰ تا ۱۱ سال نیز شایان توجه بوده است. البته پدیده زباله‌گردی کودکان در شهرهای دیگر دنیا نظیر آدانا (در ترکیه) وجود دارد (Aksit et al., 2001). در تهران زباله‌گردی یک شغل نیمه‌متعارفی برای کودکان خیابانی به شمار می‌رود؛ به طوری که در حدود ۳۹/۶ درصد از این کودکان (۸/۸ درصد کودکان ایرانی و ۳۰/۸ درصد کودکان غیرایرانی) به امر جمع-آوری زباله اشتغال دارند (وامقی و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۹۱ و ۴۰۲). طی سال‌های اخیر، به دلیل رکود حاکم بر اقتصاد کشور و به‌ویژه تعطیلی بسیاری از کوره‌های آجرپزی و واحدهای صنعتی اطراف تهران، تعداد کودکانی که از راه زباله‌گردی کسب درآمد می‌کنند، افزایش داشته است؛ این در حالی است که ۴۰ درصد این کودکان تنها منبع درآمد خانواده خود هستند و به همین دلیل نمی‌توانند شغل خود را ترک کنند (http://www.eghtesadonline.com).

زمان فعالیت برای افراد در حوزه اقتصاد زباله‌ای، بیشتر از زمان متعارف کار در یک روز است به گونه-ای که هر کارگر زباله‌گرد در روز حداقل ۱۲ ساعت به کار جمع‌آوری زباله از سطح شهر اشتغال دارد و طبق بررسی محلی برخی افراد از ساعت ۵ صبح تا نیمه شب ۱۲ در محله های شهر تهران به کار مشغولند و اظهار می‌دارند: «در غیر این صورت، چون دست فراوان است، چیزی به ما نمی‌رسد». همچنین افرادی که در گاراژها و محل‌های دپوی زباله به تفکیک زباله‌ها می‌پردازند، معمولاً ۱۰ ساعت روز را (۵ صبح تا ۱۴ ظهر) به این کار مشغولند.

در مرحله‌ی زباله‌گردی و جمع‌آوری زباله‌ها، برخی افراد دارای گاری یا وانت شخصی هستند و برخی نیز این ادوات را از کسانی به نام *"کارگزار یا صاحب کارگاه تفکیک"* اجاره گرفته اما افراد دیگری نیز که تعدادشان بسیار است، زباله‌ها را با استفاده از گونی‌های بزرگ پلاستیکی حمل می‌کنند. در نهایت نیز زباله‌های تفکیک شده خود را به کارگاه‌ها یا اماکنی که در نقاط مختلف شهر و اغلب در جوار گاراژهای مخروبه و یا همان فضاهای حصاردار پیرامون نظیر اسلام‌آباد، محمودآباد، تقی‌آباد، زمان‌آباد و یافت‌آباد می‌فروشند.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

نیروی کار فعال در بخش اقتصاد زباله‌ای دارای وابستگی استخدامی نیست و بیمه‌ای ندارد؛ همچنین میزان درآمدشان برحسب وزن زباله تفکیک شده، تعیین می‌شود و اغلب نیز در همان محوطه‌های متعفن تفکیک و دپوی زباله در داخل کانکس یا به ندرت در خانه‌های کوچک غیراصولی‌ساز، سکونت دارند. بر اساس مصاحبه، زباله گرد هر کیلو زباله تفکیک شده را به قیمت حدود ۶۰۰ تومان به فروش می رساند(آبانماه ۱۳۹۶) که افراد بنا به تبحر و محله‌ای که فعالیت دارند[1]، بین ۴۰ تا ۵۰ کیلوگرم در هر روز زباله تفکیکی به دست می‌آورند و درآمد زباله‌گردی هر فرد به طور متوسط روزانه بین ۲۰ تا ۳۰ هزار تومان است و این مقدار برای ماه و روزهای پایان سال، تا حدی افزایش می‌یابد.

۲-۱-۴) ضایعات و گردش سرمایه آن

بنا به آمار موجود، در هر شبانه روز به طور متوسط ۲ هزار و ۸۰۰ تن زباله خشک شامل مقوا، پلاستیک، شیشه، فلزات، نان خشک و غیره در تهران جمع‌آوری می‌شود که قابل بازیافت است و هر تن آن در حال حاضر به مبلغ ۸۰۰ هزار تومان توسط پیمانکاران بازیافت پسماند فروخته می‌شود (در حالی که حداکثر ۶۰۰هزار تومان هزینه کرده اند) (http://www.ireconomy.ir/fa/page/12651). به عبارتی، روزانه از درون زباله‌های شهر تهران ضایعاتی به ارزش تقریبی دو میلیارد و ۲۴۰ میلیون تومان استخراج می‌شود. مطابق اظهارات مسئولان، سهم پیمانکارانِ رسمی از جمع‌آوری و تفکیک پسماندهای بازیافت‌شدنی و ارائه و فروش آنها به کارگاه‌های رسمیِ بازیافت زباله‌ها کمتر از ۱۰ درصد بوده و ۹۰ درصد باقیمانده نیز نصیب شبکه‌های غیررسمی می‌شود (http://www.eghtesadonline.com) که بر این اساس می‌توان گفت، *"ارزش اولیه سرمایه در گردش"* درون اقتصاد زباله‌ای در پیراشهر تهران حدود یک میلیارد و ۸۰ میلیون تومان در روز است. این در حالی است که رقم یاد شده، ارزش واقعی و نهایی سرمایه در گردش اقتصاد زباله‌ای نیست، زیرا ضایعات پس از سپری کردن حلقه‌های پنج‌گانه یاد شده در قبل، علی‌رغم اینکه عملیات بخصوصی بر روی آن صورت نمی‌گیرد و فقط حلقه‌های دلالی است، قیمتی که در نهایت به دست کارخانه‌دار یا دلال خارجی می‌رسد، چندین برابر قیمت خرید از درب منازل یا جمع‌آوری از سطح شهر است. به گونه‌ای که:

> ***مرحله‌ی اول، فروش ضایعات به زباله‌گردها؛*** *از سوی بعضی خانوارهای شهر تهران، تفکیک زباله صورت می‌گیرد و زباله‌گردهایی که مستقیم اقدام به خرید ضایعات تفکیک شده از خانوارها می‌کنند، به طور متوسط مواد ضایعاتی از قبیل نان، آهن، آلومینیوم، انواع بطری*

[1] بنا به اذعان افراد، نوع تولید زباله در شمال و جنوب شهر متفاوت است. زباله‌های بالای شهر عیار بالاتری دارد و سرقفلی زباله جمع-کنی در این مکان‌ها بسیار بالاست.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

شیشه‌ای کیلویی۶۰۰ تومان، انواع کارتن و کاغذ کیلویی ۲۵۰ تومان خریداری می‌کنند. در مجموع نیز میانگین بهای هر کیلو ضایعات بازیافتی در حدود۶۰۰ تومان ذکر شده است.

مرحله دوم، فروش ضایعات به دلالان و کارگاه‌داران؛ *زباله‌گردها و خریداران ضایعات از خانوارها، به هنگام فروش ضایعات به کلی فروش‌ها یا کارگزارها، به ازای هر کیلو ۸۰۰ تومان دریافت می‌کنند. بنا به برآورد صورت گرفته، در جنوب شهر تهران حدود ۳۰۰ کارگاه فرآوری ضایعات (نظیر خردکردن شیشه و پلاستیک‌ها، بسته‌بندی کاغذ و کارتن و گدازه-گری آهن‌آلات) با حدود ۲۰۰ کارگر فعالیت دارد.*

مرحله سوم، فروش ضایعات به کارخانجات بزرگ؛ *به طور مثال، ضایعات پلاستیکی خریداری شده توسط کارگاه‌ها، خرد گردیده و در گونی‌های بزرگ بسته‌بندی می‌شود. سپس این مواد به قیمتی بین ۱۶۰۰ تا ۲۴۰۰ تومان برای هر کیلو به کارخانه‌های پلیستر فروخته می‌شود.* در مجموع *اذعان شده است که* کارخانه‌داران مواد اولیه‌ی مستخرج از چرخه‌ی اقتصاد زباله-ای را به قیمت یک دوم تا یک سوم واقعی به دست می‌آورند. در محدوده *تهران، نان‌های ضایعاتی به فروش گاوداری‌ها می‌رسد و همانطور که گفته شد، مواد پلاستیکی نیز در شورآباد یا سایر کارخانجات تولید موکت در کشور به فروش می‌رسد.*

مرحله چهارم، فروش ضایعات به دلالان خارجی؛ *صنایع سبز در عصر حاضر ۶ تا ۱۲ درصد اقتصاد کشورهایی مانند آلمان و چین را تشکیل می‌دهد. صنایع بازیافت در بسیاری از این کشورها نه تنها از حمایت‌های قانونی بر خوردارند بلکه حتی هزینه‌های بازیافت خود را به شکل یارانه دریافت می‌کند که این امر هزینه این فرایند را به شدت پایین می‌آورد و باعث می‌شود حتی دلالان کشورهای خارجی در خیابان‌های ایران برای خرید زباله حضور داشته باشند (صدرنژاد،۱۳۹۵) و برخی از مواد ضایعاتی از سوی دلالان هندی و چینی خریداری می‌شود.*

در خصوص سرمایه در گردش اقتصاد زباله‌ای این نکته را نیز می‌توان افزود که بُرد مکانی این سرمایه و اثرات آن، محدود به منطقه تهران نیست بلکه سایر استان‌های کشور نیز از این جریان سرمایه‌ی در گردش، به نوعی منتفع می‌شوند به طوری که مثلاً ضایعات آهنی به کارخانه‌های ذوب آهن نواحی مختلف کشور اعم از اصفهان، یزد، نیشابور، تبریز، بناب، اردبیل و مشهد ارسال می‌شود. همچنین این سرمایه، زمینه‌ساز تقویت پیوندهای اقتصادی با سایر کشورهای جهان (نظیر آلمان، هند و چین) شده است. بدین‌سان می‌توان گفت، اقتصاد زباله‌ای دارای پیامدهای شایان توجه در برقراری و تحکیم پیوندهای اقتصاد فضای مناطق و سرزمین است که می‌توان در مطالعاتی دیگر، مبسوط به نوع و دامنه‌ی اثرات آن پرداخت.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

۲-۴) علل پیدایش و گسترش فعالیت‌های غیررسمی در قالب اقتصاد زباله‌ای

کاوش‌های چرایی رغبت افراد به اشتغال در فعالیت‌های مربوط به اقتصاد زباله‌ای اعم از زباله‌گردی تا کارگزاری کارگاه‌های زباله که هم مشقت و سختی فراوان و هم منزلت اجتماعی گریزناکی دارد، در نهایت مبین چند فاکتور اساسی بوده است که به نحوی می‌توان از آن تحت عنوان علل زمینه‌ساز پیدایش و گسترش اقتصاد زباله‌ای یاد کرد:

الف) رشد بیکاری و بازماندگی روزافزون بخشی از جمعیت فعال کشور از دستیابی به فرصت‌های شغلی حوزه اقتصاد رسمی؛ بنا به اذعان برخی افراد زباله‌گرد که حتی دارای مدارک و تخصص علمی بوده‌اند، امکان فراهم آمدن شغل در حوزه‌های اقتصاد رسمی، ملزومات اولیه‌ای علاوه بر تخصص نیاز دارد (از قبیل سرمایه یا معّرفِ پشتیبان) که آنان از این پیش‌نیازها بی‌بهره‌اند. بنابراین، ضرورت داشتن درآمد جهت گذران زندگی و اینکه زباله‌گردی و فعالیت‌های این حوزه، دارای موانع یاد شده نیست و همچنین درآمد قابل توجهی دارد، افراد انگیزه و رغبت لازم برای فعالیت در حوزه‌ی اقتصاد غیررسمی زباله‌ای می-یابند.

ب) سطح درآمد پایین در کنار کمبود فرصت‌های شغلی در سایر مناطق و شهرستان‌های کشور که عوامل مختلف طبیعی و انسانی نظیر خشکسالی و نظام توزیع نامتعادل ثروت و خدمات به نفع قطب برخورداری مانند تهران، در این رکود نقش داشته است، منجر به مهاجرت تعداد قابل توجهی از جمعیت جویای کار سایر استان‌ها به شهر تهران شده است؛ به گونه‌ای که در فاصله‌ای بین سال‌های ۹۵-۱۳۹۰ جمعیتی برابر با ۹۵۳۹۲۰ نفر به تهران مهاجرت کرده‌اند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵) که رقمی بیشتر از جمعیت کل هر یک از شش استان چهارمحال و بختیاری، خراسان شمالی، خراسان جنوبی، کهگیلویه و بویراحمد، سمنان و یا ایلام است (این رقم در برابر جمعیت کل استان ایلام، نزدیک به دو برابر است). معنای دیگر این است که طی پنج سال یاد شده، جمعیت یکی از شش استان نام برده شده، کاملاً تخلیه گردد و در شهر تهران سکونت داده شود. در برابر این سیل عظیم مهاجرت، پرسشی تأمل برانگیز مطرح می‌شود: اینکه، *"فرصت‌های شغلی در بخش رسمی اقتصاد در شهر یا حتی استان تهران چه میزان است و یا چه میزان کارآفرینی و ایجاد شغل در تهران وجود دارد که بتواند طی پنج سال، جوابگوی نیاز شغلی ۹۵۳۹۲۰ نفر مهاجر درون سرزمینی به تهران باشد؟"* از این رو، ضعف و ناتوانی اقتصاد رسمی دایر در شهر تهران به تبع از ضعفی که در اقتصاد کلان و ملی کشور برای ایجاد فرصت‌های شغلی دارد، جمعیت نوآمده جویای شغل و درآمد به تهران را ناچاراً به سوی فعالیت‌های غیررسمی اقتصادی نظیر اقتصاد زباله‌ای گسیل می‌دارد.

ج) حضور گسترده اتباع خارجی؛ در کنار مهاجرت‌های داخلی و درون سرزمینی که عمدتاً به مقصد شهر تهران صورت می‌گیرد، از مبدأ برخی کشورهای همسایه که دارای بنیان ضعیف اقتصادی، بحران و

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

جنگ‌های داخلی و بین‌المللی هستند (مانند افغانستان)، جمعیت جویای کار و درآمد اتباع خارجی نیز به مقصد تهران به شدت وجود دارد؛ اتباع جوینده کار، به دو دلیل منجر به رونق فعالیت‌های اقتصاد غیررسمی نظیر اقتصاد زباله‌ای می‌شوند: اول اینکه حضور اتباع مهاجر در کنار مهاجرین سرزمینی به تهران، هم حجم تقاضا برای کسب‌وکارهای رسمی دایر در تهران را نسبت به فرصت‌های کاری قابل عرضه بالا می‌برد و هم با ایجاد فضای رقابتی میان جویندگان کار در تهران، انتفاع فعالیت‌های رسمی را تنزل می‌دهد که در این میان، اتباع به دلیل اینکه بارمسئولیتی کمتری برای کارفرمایان بخش رسمی دارند و از طرفی با مزد کمتر، تَن به کار بیشتر می‌دهند (مانند کارگران باربری‌های حمل و نقل، کارگران ساختمانی و کارگران بنگاه‌های آهن در تهران). بنابراین گرایشات به حضور در فعالیت‌های سایه‌ای همچون اقتصاد زباله‌ای فزونش می‌یابد. دوم اینکه، چون عمده‌ی اتباع به طور غیرقانونی از مرزهای شرقی و جنوب شرق کشور به تهران ترانزیت می‌شوند و مطلوب‌شان این است که زندگی در سایه داشته باشند تا از سوی نیروهای امنیتی و پلیس ایران بازگردانده نشوند، بنابراین بخش اقتصاد سیاه (نظیر اقتصاد زباله‌ای) همان حاشیه امنی است که می‌توانند به حیات بپردازند و از این رو است که می‌توان رشد اقتصاد یاد شده را شاهد بود.

د) مدیریت غیراصولی زباله‌های تولیدی شهر؛ در تهران همان‌گونه که بارها نقد شده و مطرح است، زباله که در بیشتر کشورها به عنوان *"طلای کثیف"* شناخته می‌شود، به گونه‌ای مدیریت شهری با آن برخورد نموده که گویا *"بلای کثیف"* است. در حقیقت بجای اینکه ترتیبی داده شود تا زباله‌های نزدیک به ۷ هزار و ۵۰۰ تنی روزانه شهر تهران با امر تفکیک‌سازی و استفاده از فناوری‌های روز دنیا در زباله-سوزی، به انرژی و مواد اولیه برخی صنایع تبدیل شود، مبالغ هنگفتی از جیب شهروندان تهرانی و حتی خزانه دولت هزینه می‌شود تا مناقصه‌ها یا به عبارت بهتر، باج‌هایی داده شود تا پیمانکاری مسئولیت برچیدن این بلای کثیف از تهران را برعهده گیرد. این در حالی است که بنا به تجربه کشورهای دیگر می-شود هم فرصت‌های گسترده کسب و کار در بخش رسمی اقتصاد از زباله فراهم ساخت و هم با حربه‌های مزایده و مالیات، منفعتی را به خزانه دولت سرازیر نمود.

در بسیاری از کشورهای غربی، از جمله انگلستان، اسپانیا و آلمان، در مجاورت درب هر محله یا مجتع مسکونی یا تجاری انواع سطل‌های زباله با درپوش مناسب و رنگ‌های متفاوت برای انواع زباله، حتی شیشه‌های رنگی و بی‌رنگ، به تفکیک تعبیه شده است. این سطل‌ها در مجاورت واحدهای مسکونی با فنس‌های آهنی محصور است و کلید درب ورودی آن با کلید ورود به مجتمع آپارتمانی خانواده‌ها باز می-شود. تنها در شهر مانیل، در بخشی از شهر، کوهی با ابعاد ناپیدا از زباله مشاهده می‌شود که در آن زنان، مردان و کودکان در فضای متعفن به تفکیک اشتغال دارند. در تهران یا چنین سطل‌هایی اصلاً وجود ندارد

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

یا اگر حداکثر دو سطل در کنارهم دیده می‌شود، هیچ تمایزی بین آنها وجود ندارد. با بررسی به عمل آمده در شهرک غرب، ۵۷ درصد ساکنین ادعا داشتند که: «در منزل، اقدام به تفکیک زباله‌های تر و خشک می‌شود، اما فایده‌ای ندارد چراکه همه آنها در سطل واحدی تخلیه می شود».

بدین‌سان، وقتی زباله بدون تفکیک وارد سطل‌های زباله شهر تهران می‌شود لزوماً شغل تفکیک زباله، زباله‌گردان‌ها و سایر افراد پسِ پرده را به خود جلب می‌کند. این افراد بازار فروش محصولات جمع‌آوری شده خود را در اختیار دارند و حتی در مقایسه، بازار اینان بسیار با ثبات‌تر از بازار فروش تولیدکنندگان محصولات کشاورزی در کشور است. بنابراین می‌توان گفت مدیریت غیراصولی زباله‌های شهر تهران منجر می‌شود تا خون جاری در رگ‌های اقتصاد زباله‌ای یعنی "زباله"، به طور کاملاً فراوان و پایدار وجود داشته باشد و یا چیزی به نام بحران و دغدغه مواد اولیه اقتصاد زباله‌ای مطرح نشود.

هـ) رویکردهای نولیبرالی؛ وقتی که شهرداری از وظیفه حاکمیتی خود مبنی بر ارائه خدمات شهری، تفکیک زباله و حمل و مدیریت پسماند، عقب نشینی می‌کند، درحالی که هزینه آن را از شهروندان اخذ کرده است، امکان می‌یابد وظیفه تصدی‌گری خود را افزایش داده و در قالب قراردادهای غیر شفاف این کار را به افراد و شرکت‌هایی بسپارد که در قبال بهره‌کشی از کارگران بی‌مزد و بدون بیمه و باز نشستگی، از محل مواد اولیه شهری به سودهای هنگفت دست یابند؛ در حالی که شهرداری می‌توانست با مدیریت صحیح، هم کارگران را تحت پوشش‌های بیمه‌ای قرار می‌داد و هم ثروت عظیمی را به خزانه دولت واریز می‌نمود. مسئله دیگر آن است که شهرداری از سویی خود را به حق، متولی فضای حریم شهر می‌پندارد و از سوی دیگر از مدیریت اصولی آن شانه خالی کرده و باز در سیستمی غیر شفاف، این فضاها را در اختیار سوداگران زباله قرار می‌دهد.

۳-۴) پیامدهای فضایی اقتصاد زباله‌ای

اقتصاد سیاه یا غیررسمی در ایران نسبت به بسیاری از کشورها، دارای ناشناختگی‌های فراوانی است. اقتصاد زباله‌ای به عنوان یکی از اشکال اقتصاد غیررسمی، تاکنون چندان به آن پرداخته نشده است و از این رو، یکی از ابعاد ناشناخته‌ی اقتصاد زباله‌ای، نوع و دامنه‌ی اثرات آن است. به دلیل گستردگی حوزه پیامدی اقتصادهای غیررسمی، بنا به اقتضای موجود، در این تحقیق به پویش و کاوش بازتاب‌ها و پیامدهای فضایی اقتصاد زباله‌ای در پیراشهر تهران پرداخته شد. سرانجام بررسی محلی در یافت‌آباد و همچنین روستاهای محمودآباد خالصه، اسلام‌آباد و زمان‌آباد مؤید آثار و پیامدهای فضایی زیر بوده است:

الف، تغییر اراضی زراعی و باغات محصور به محوطه‌های دپو و تفکیک زباله؛ پس از جمع‌آوری زباله‌ها از سطح شهر، جداسازی و خالص‌سازی مواد قابل بازیافت نیازمند اجرای عملیاتی بوده که این عملیات نیز،

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

به اختصاص مکانی خاص جهت انجام نیازمند است. از این رو محل‌های دپوی زباله که از سوی کارگزاران، مدیریت می‌شود و معمولاً بین یک تا چند ۱۰ نفر در آن مشغول فعالیت هستند، یکی از چشم‌اندازهای عینی اقتصاد زباله‌ای در عرصه پیراشهر تهران خصوصاً در مجاورت روستاهای یاد شده است. به دلیل اینکه درآمد ناشی از فعالیت‌های زراعی و باغی (در مواردی حتی فعالیت‌های کارگاهی رسمی) قابل رقابت و مقایسه با درآمد در اقتصاد زباله‌ای نیست، صاحبان اراضی یاد شده، یا شخصاً و یا با واگذاری به صورت اجاره‌ای، تغییر کاربری زمین‌های زراعی و باغات را به محل‌های دپو و تفکیک زباله انجام می‌دهند که در این میان، بنا به اظهارات صورت گرفته اجاره‌ی ماهیانه هر گاراژ (زمین محصور شده) به مساحت ۱ تا ۲ هزار مترمربع برای دپو و تفکیک زباله در حدود ۱/۵ میلیون تومان به بالا است.

ب، تصرف اراضی بدون اجازه مالک و افزایش پرونده‌های قضایی؛ یکی از ثمرات رشد اقتصاد زباله‌ای این بوده که برخی سوداگران زباله برای احداث محل‌های دپو و تفکیک و همچنین کارگاه‌های خالص‌سازی ضایعات، به دست‌اندازی به اراضی موقوفه در حاشیه شهر اقدام ورزیده‌اند. به طور مثال زمین ۱۰ هکتاری در منطقه یافت‌آباد تهران که جزء موقوفات بوده، به تصرف سوداگران زباله درآمده که این مسئله منجر به تشکیل یک پرونده قضایی شده است. بدین‌سان می‌توان گفت که یکی از نتایج غیرمستقیم اقتصاد غیررسمی زباله‌ای، تشدید حجم کاری دستگاه قضایی نیز بوده است.

ج، ایجاد آلودگی‌های مختلف زیست محیطی (نظیر دود و بوی بد) و مختل ساختن زندگی در سکونتگاه‌های روستایی پیرامون؛ یکی از گلایه‌های اساسی ساکنان و مدیران روستایی در حاشیه شهر تهران این بوده که مجاورت با محل‌های دپوی زباله، آنان را با چالش‌های زیست محیطی متعددی مواجه ساخته است. در حقیقت، هر شب برای کم کردن حجم زباله‌های غیرقابل بازیافت و تفکیک راحت‌تر موادی همچون آهن و مس از سایر زباله‌ها، از سوی فعالان در کارگاه‌های دپو و تفکیک زباله، بخشی از زباله‌ها به آتش کشیده می‌شود. آتش ذکر شده، آلودگی هوا و انتشار بوی مواد سوخته شده در فضای سکونتگاهی پیرامون را سبب می‌گردد که مشکلات تنفسی را برای اهالی خصوصاً افراد سالخورده و کودکان روستایی به وجود آورده است.

د، آلودگی مزارع کشاورزی دایر؛ حجم عظیم زباله‌ی انباشته شده برروی هم سبب گردیده تا پس از وزیدن باد در منطقه، زباله‌های سبک نظیر انواع پلاستیک، جلد مواد خوراکی و برگه‌های کاغذ به طور فراوان در مزارع کشاورزی پخش گردد (شکل ۱).

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

شکل شماره (۱): انتشار زباله‌ها در اراضی کشاورزی روستای اسلام‌آباد

هـ مختل ساختن عملکرد مدیریت روستایی در کانون‌های مجاور؛ بنا به مشاهدات میدانی و مصاحبه‌ی صورت گرفته، به دلیل اینکه بسیاری از انبارهای نگهداری زباله در نزدیکی روستاها بوده (شکل ۲)، بسیاری از آشغال‌ها را باد به داخل محدوده‌ی روستا حمل می‌کند که امر نظافت محیط روستایی را با چالش جدی هر روزه مواجه ساخته است. همچنین، بسیاری از آتش زدن‌های زباله‌ها در خارج از محوطه-های نگهداری زباله صورت می‌گیرد (شکل ۳) که نیروهای دهیاری به منظور جلوگیری از انتشار آتش در مزارع و یا منازل روستا مجبور به راه‌اندازی "گشت‌های آتش خاموش کن" شده‌اند که به نوعی حاکی از هدر رفت انرژی و توان این بخش مدیریت روستایی است.

شکل شماره (۲): انبار دپوی زباله‌های شهر تهران در مجاور روستای اسلام‌آباد

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

شکل شماره (۳): نمونه‌ای از آتش زدن زباله‌های شهری در محل دپوی زباله در اطراف تهران

منبع: http://www.yjc.ir

و، در معرض میکروب و بیماری قرار گرفتن روستاییان و به‌ویژه کودکان روستایی؛ در اطراف روستای محمودآباد خالصه، محل کوره‌های آجرپزی که چند سالی است دارای فعالیت نبوده، به محل دپوی زباله تبدیل شده است. رهاسازی زباله‌ها در این محدوده‌ی بدون حصار و از طرفی بازی کودکان روستایی سبب می‌شود که همواره در معرض ابتلای به انواع بیماری خاص باشند؛

ز، به ضعف کشاندن خدمات ارائه شده در روستاهای پیرامون؛ از آنجا که کارگران فعال در محل‌های دپو و تفکیک زباله نیازمند دریافت خدماتی برای گذران زندگی در آن محل هستند، جهت دریافت خدماتی همچون خرید از فروشگاه‌های مواد خوراکی، نانوایی، خانه بهداشت به روستاهای مجاور مراجعه می‌کنند که با توجه به محدود بودن توان ارائه دهندگان خدمات یاد شده، نارضایتی بیشتر روستائیان را به همراه داشته است.

۵) نتیجه‌گیری

اندیشگی در باب توسعه اقتصادی فضا، حقیقتی را آشکار می‌سازد و آن اینکه «وجود بخش پنهان یا غیررسمی، همجوار با بخش رسمی اقتصاد است که در تمامی دنیا بررسی عمقی اقتصاد پنهان (زیرزمینی) و ابعاد اثرگذاری آن همواره مورد توجه جدی است». در واقع، *"ظهور و رشد اقتصاد پنهان (غیررسمی/ زیرزمینی)"*، پدیداری به ظاهر نابرنامه‌ریزی شده اما درست در روندی سودجویانه و حسابگرانه، مبتلابه بیشتر کشورهای جهان در هر سطحی از توسعه است.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

از مطالعه‌ی صورت گرفته در روستاهای جنوبی کلانشهر تهران می‌توان نتیجه گرفت که نابرنامه‌ریزی و کژکارکردی سیستم حاکم در خصوص تولیدی شهری موسوم به [زباله]، پدیده‌ای مخرب تحت عنوان "اقتصاد زباله‌ای" را به منصه گذاشته است. در حالی که در دنیا، زباله به جهت قابلیت استفاده‌ی آن در صنایع، دارای ارزش اقتصادی قابل توجهی بوده و از این رو به "طلای کثیف" مشهور است. در کشور ما و خصوصاً تهران، به دلیل وجود ثروت نفت و عوارض شهری که با کمترین تلاش، بیشترین منابع سرمایه‌ای در اختیار مدیریت شهری قرار می‌گیرد، دولت و شهرداری چندان انگیزه‌ای برای استفاده از ثروت روزانه ۱ میلیارد و ۸۰ میلیون تومانی در شهر تهران ندارد؛ از این رو است که در تهران نه آموزش مدونی برای تفکیک زباله به شهروندان داده می‌شود، نه سطل‌های تفکیکی و بهداشتی زباله را می‌توان شاهد بود، بلکه در عوض، سرمایه ارزشمندی همچون زباله، مفت به بخش غیررسمی سپرده می‌شود.

در خصوص پدیده‌ی اقتصاد زباله‌ای می‌توان به دو ویژگی مهم این اقتصاد غیررسمی اشاره داشت که تاکنون ضامن پویایی آن بوده است: اولاً به لحاظ نیروی کار مورد نیاز برای فعالیت در این بخش، هیچ محدودیت سنی، جنسی، نژادی و تحصیلاتی برای علاقمندان به فعالیت در این حوزه وجود ندارد. دیگر اینکه، با اندک فعالیت انجام داده شده که نیازمند کمترین تخصص است (نظیر آتش زدن زباله‌ها یا خُرد کردن شیشه‌ها)، سودی را نصیب افراد و فعالان می‌سازد. تنها عامل و امتیازی که سبب می‌شود هر فرد چه میزان از "*سرمایه در گردش*" درون اقتصاد زباله‌ای سهم ببرد، موقعیت قرارگیری فرد در هر یک از پنج حلقه فعالیتی این اقتصاد است. همچنین از اثرات و پیامدهای این پدیده‌ی اقتصادی می‌توان به سه نتیجه‌ی کلی رسید:

(الف) ایجاد آشفتگی‌های و بی‌سامانی‌هایی که منجر به اختلال در زندگی ساکنان روستاهای پیراشهری شده است؛

(ب) بهره‌کشی و استثمار نیروی کار که از کودکان ۱۰ ساله تا زنان را شامل می‌شود؛ و

(ج) اعطای رانت‌ها و فسادهایی است که بخش‌های رسمی و دولتی مجاور با بخش اقتصاد زباله‌ای، مرتکب می‌شوند. به طور مثال اینکه، از هر خانوار تهرانی روزانه ۱۰۰ تومان بابت جمع‌آوری پسماند دریافت می‌شود که سالانه مبلغی در حدود ۴۵۰ تا ۶۰۰ میلیارد تومان هزینه مستقیم از جیب مردم است.

بدین‌سان، آیا مردم تهران سالانه چندین میلیارد تومان هزینه می‌کنند تا یک اقتصاد غیررسمی و مخرب زیست ناحیه تهران سربرآورد؟ آیا چیزی غیر از وجود فساد و ناکارآمدی مدیران و برنامه‌ها می‌تواند توجیه‌گر این قبیل پرسش‌ها باشد؟ می‌توان گفت تصمیم گیران در قبال فقرا مسئولیت چندانی قبول نکرده و آنها را برای استثمار در اختیار سوداگران قرار داده است. این در حالی است که می‌شود با

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

ظرفیت منابع سرمایه‌ای اقتصاد زباله‌ای (ضایعات قابل بازیافت) و مدیریت عقلایی آن، دو اقدام مناسب و یاریگر جریان توسعه کشور در پیش گرفت:

اول، فرآوری زباله‌ها به طور کامل در چارچوب بخش رسمی باشد تا با پیاده‌سازی ضوابط و قوانین، نیروی کار فعال در این حوزه به حداقل‌های حقوقی دست‌یابند و جریان استثماری حاکم، برچیده شود؛ تولید ثروت ناشی از این بخش، کمک‌رسان منابع درآمدی دولت باشد؛ در نهایت نیز بتوان به سوی صنایع سبز و تولیداتی نظیر انرژی سازگار با محیط زیست (مانند برق زباله‌ای) گام برداشت.

دوم اینکه، کشورهایی نظیر کشورهای اروپایی پیشگام در بحث فرآوری از زباله‌ها برای رشد بخشیدن به بخش صنایع سبز هستند. در سال‌های اخیر نیز شاهد علاقمندی آنان به استفاده از منابع زباله‌ای کشور ما بوده‌ایم. از این رو چنانچه زباله در بخش رسمی مدیریت شود، می‌تواند ابزاری برای گسترش مناسبات اقتصادی ایران با سایر کشورها باشد. به عبارتی، با مدیریت صحیح زباله‌ها می‌توان به تقویت قدرت دیپلماسی اقتصادی کشور در حوزه‌ی کشورهای پیشرفته نائل آمد.

در نهایت بررسی مسئله مبین این پیام برای نظام تصمیم‌گیری است که "بازار درمانی" همیشه و در هر شرایطی حلال مشکلات کشور نیست. بدین معنا که دولت خود را عقب کشیده و به دست نامرئی بازار امیدوار است. این در حالی است که بازار درمانی[1] در هیچ کشوری حتی آمریکا و انگلیس نیز بدین صورت پیاده‌سازی نشده و بلکه دولت دارای نقش نظارتی قوی است و از منافع ملی حمایت می‌کند.

۶) منابع

- احمدی شادمهری، محمد طاهر، (۱۳۸۶)، **بررسی وضعیت شاغلان در بخش غیررسمی- مطالعه‌ی موردی شهرستان مشهد**، مجله دانش و توسعه، شماره ۱، صص ۱۵۷-۱۳۷.
- امینی‌فرد، حمیده، (۱۳۹۶)، **امپراطوری مافیای زباله بیخ گوش پایتخت**، مشاهده شده در سایت: http://meidaan.com/archive/39812
- تاری، فتح‌اله و سعید غلامی، (۱۳۸۷)، **اصلاح شاخص فضای کسب و کار، عاملی مؤثر بر کاهش اقتصاد پنهان و گسترش بخش رسمی**، فصلنامه مجلس و پژوهش، سال ۱۴، شماره ۵۸.
- توماس ، ج.ج. و راتول ریسکاویچ، (۱۳۷۶)، **اقتصاد غیررسمی**، ترجمه منوچهر نوربخش و کامران سپهری، موسسه تحقیقات پولی و بانکی.
- جعفری صمیمی، احمد و محسن اکبری، (۱۳۹۲)، **بررسی عوامل مؤثر بر اقتصاد زیرزمینی در ایران**، اولین همایش الکترونیکی ملی چشم انداز اقتصاد ایران با رویکرد حمایت از تولید ملی.

[1] بازار درمانی یا Market Therapy: بازار درمانی یا استفاده از سازوکار عرضه و تقاضا و دست نامرئی بازار که از رهنمودهای اقتصاد آزاد و اخیراً نولیبرال است.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

- جمالی، فیروز، میر ستار صدرموسوی و پروین دخت لیوارجانی (۱۳۸۷)، **بررسی ویژگی های مشاغل بخش غیررسمی در مادرشهر تبریز**، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۷۹، صص ۴۶-۱۹.
- جواهری‌پور، مهرداد، (۱۳۸۳)، **سیاست اجتماعی و فقر- از برنامه‌های تعدیل ساختاری تا راهبردهای کاهش فقر**، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۱۲.
- دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، (۱۳۸۲)، **برآورد اقتصاد زیرزمینی و تحلیل علل شکل‌گیری آن در ایران با استفاده از الگوهای منطق فازی**. مسلسل ۶۸۶۲.
- رفعتی، حسین، (۱۳۷۶)، **بررسی قاچاق کالا در ایران**، ماهنامه بررسی بازرگانی، موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
- سلیمی‌فر، مصطفی و محمد کیوانفر، (۱۳۸۹)، **اقتصاد غیررسمی در ایران و اثر تورم بر آن**، مجله دانش و توسعه، شماره ۳۳، صص ۲۶-۱.
- شکوئی، حسین، (۱۳۸۳)، **دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری**، جلد اول، انتشارات سمت.
- شمس الدینی، شهباز، (۱۳۸۷)، **بررسی پدیده قاچاق کالا و آثار اقتصادی آن در کشور**، پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس.
- صادقی، فاطمه، (۱۳۹۶)، **زیست غیررسمی زنان تهیدست در ایران**، مؤسسه پرسش، سخنرانی و یاداشت اقتصاددانان روز، شنبه, ۱۵ مهر ۱۳۹۶ ساعت ۱۴:۲۹
- صادقی، حسین، رضا وفایی یگانه و محمدحسن غفاری، (۱۳۸۶)، **گسترش اقتصاد غیررسمی و تهدید فرهنگ اقتصادی**، ماهنامه مهندسی – فرهنگی، شماره ۱۲، صص ۸۶-۷۳.
- صدرنژاد، حمید، (۱۳۹۵)، زباله هم دلال خارجی پیدا کرد، خبر انلاین، شماره ۲۲۵۳۹، سایت: http://www.khabaronline.ir/((1)S(esqzloxo1ccezwfysk4bcsos))/detail/554701/Economy/industry
- صرامی، حسین، (۱۳۷۳)، **تأثیر مشاغل غیررسمی بر چهره‌ی شهرهای ایران**، فصلنامه‌ی تحقیقات جغرافیایی، شماره ۳۲، صص ۱۳۰-۱۰۹.
- عرب مازار یزدی، علی، (۱۳۸۰)، **اقتصاد سیاه در ایران- اندازه، علل و آثار آن در سه دهه اخیر**، مجله برنامه و بودجه، شماره ۶۲و۶۳، صص ۶۰-۳.
- عظیمی آرانی، حسین، (۱۳۹۳)، **مدارهای توسعه نیافتگی در اقتصاد ایران**، نشر نی.
- فیلسوفی، کامیار، (۱۳۹۰)، **میزان تولید روزانه زباله در ایران**، مجله فردا نیوز، آدرس:

http://www.fardanews.com/fa/news/145118

- مالجو، محمد، (۱۳۹۶)، **حیات تهیدستان ایران در آینه اندیشه اجتماعی**، مؤسسه پرسش، سخنرانی و یاداشت اقتصاددانان روز ، شنبه, ۱۵ مهر ۱۳۹۶ ساعت ۱۴:۲۹.
- ماهنامه اقتصاد ایران، (۱۳۸۸)، **زیرزمین سیاه اقتصاد ایران**، صص ۱۱-۱۲.
- محمدبیگی، علی‌اعظم، (۱۳۷۶)، **جایگاه بخش غیررسمی در اقتصاد ایران**، مجله برنامه و بودجه، شماره ۱۹ و ۲۰، صص ۱۱۳-۹۵.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

- محمدپور، احمد، (۱۳۹۲)، **روش تحقیق کیفی؛ ضد روش**، جلد ۲، انتشارات جامعه‌شناسان.
- مردانی، عرفان، (۱۳۹۴)، **اقتصاد پنهان**، هفته نامه تجارت فردا، شماره ۱۶۱.
- مرکز آمار ایران، (۱۳۹۵)، **نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن**.
- نوذرپور، علی، (۱۳۹۶)، **آمار «تفکیک زباله» در تهران**، روزنامه دنیای اقتصاد، شماره ۴۰۴۴.
- نیلی، مسعود و منصور ملکی، (۱۳۸۵)، **اقتصاد غیررسمی: علل ایجاد، روش‌های تخمین و اثرات آن بر بخش رسمی**، فصلنامه شریف، شماره ۳۶، صص ۵۶-۴۵.
- وامقی، مروئه، پیام روشنفکر، معصومه دژمان، حسن رفیعی و آمنه ستاره فروزان، (۱۳۹۴)، **بررسی ترکیبی و ارزیابی سریع وضعیت کودکان خیابانی و ویژگیهای کار آنان در تهران**، بررسی مسائل اجتماعی ایران، شماره۲، صص ۴۱۷-۳۹۱.
- ویسیان، محمد، میرنجف موسوی، طاها ربانی و واحد احمدتوزه، (۱۳۹۴)، **تحلیلی بر وضعیت شاغلان بخش اقتصاد غیررسمی- مطالعه موردی شهر قروه**، مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری، شماره ۲، صص ۱۲۳-۱۱۱.
- Aksit B, Karanci N, Gundus Hosgor, A. (2001). **Turkey Working Street Children in Three Metropolitan Cities: A Rapid Assessment**. International Labor Organization, Geneva
- Bhattacharyya Dilip, 1999. **"Rational of Estimating the Hidden Economy"**, Economic Journal, June.
- Bromley, R. (1978). **The urban informal sector: critical perspectives**. *World Development* 6, nos. 9–10.
- Chaudhuri, K., Schneider, F. and Chattopadhyay, S. (2006). **The Size and Development of the Shadow Economy: An Empirical Investigation from States of India**, Journal of Development Economics, No. 80: 428–443.
- Cule Monika (2006), ***Corruption, the Unofficial Economy and the Public Goods in Transition Countries,*** Dissertation, University of Saskacthwan.
- Daniles, P. W. (2004). **Urban challenges: The formal and informal economies in maga-cities**. Cities, 21(6), 501-511.
- Divic, Vatroslav, (2006). **Poverty: What Influences it? An Investigation about Poverty from Two Theoretical Approaches**. Institute for Economic History, Gothenburg University.
- Elbahnasawy, N.G., Ellis, M.A. & DésiréAdom, A. (2016). **Political Instability and the Informal Economy,** World Development, Vol. 85, pp. 31-42.
- Elgin, C. & Oztunali, O. (2014). **Pollution and informal economy,** Economic Systems, Vol. 38, pp. 333-349.
- Elgin, C., & Oyvat, C. (2013). **Lurking in the cities: Urbanization and the informal economy**. Structural Change and Economic Dynamics, 27, 36-47.
- Esfandiari, A and Jamalmanesh a, (2002), **"The underground economy and its impact on national economy"**, Journal of Budget and Planning, No. 77.
- Fige, Edgard, L. (1990), **"Defining and Estimating Underground and Informal Economics: the New Institutional Economics Approach"**, World Development, 18, (7), pp 989-1002.
- Fleming Matthew, John Roman, and Graham Farrell, (2000), **"The Shadow Economy"**, pp 387-409.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

- Henley, A., & Arabsheibani, R. (2009). **On defining and measuring the informal sector: Evidence from Brazil.** World Development, 37(5), 992-1003.
- Hoornweg D. and Bhada-Tata, P. (2012), **What a Waste? A Global Review of Solid Waste Management**, World Bank, *https://openknowledge.worldbank.org/handle/10986/17388*
- http://www.eghtesadonline.com
- http://www.ireconomy.ir/fa/page/12651
- http://www.yjc.ir/fa/news/6276018
- ILO (2013), **Women and Menin the Informal Economy: A Statistical Picture**, Second Edition, International Labour Office, and Geneva.
- ILO (2017), **Informal economy,** address: http://www.ilo.org/global/topics/employment-promotion/informal-economy/lang--en/index.htm
- Jie, S.W., & Tat, H.H., & Rasli, A. (2011). **Underground Economy: Definition and Causes**, Business and Management Review, 1(2), 14-24
- Martínez, L., RennieShort, J. & Estrada, D. (2017), **the urban informal economy: Street vendors in Cali, Colombia,** Cities, Vol. 66, pp. 34-43.
- Nikopour, H. & M. Shah-Habibullah, (2010), **"Shadow Economy and Poverty"**, Unpublished Munich Personal RePEc Archive.
- Romero, R. (2009). **The dynamic of informal economy**. London: Oxford University Press.
- Schneider, F, and Enste, D, (2000), **"Shadow economies: size, causes, and consequences"**, Journal of Economic Literature, No. 38.
- Tanzi, Vito, (1999), **"Uses and Abuses of Estimates of the Underground Economy"**, Economic Journal, 109/456, pp 338-340.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]